



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه ۰۱ می ۲۰۲۳

روان شاد پوهاند عبدالحی حبیبی

نگاهی به نامهای باستانی کابل

... پیوسته به گذشته

قسمت سوم

... نام اورتوس پانه، که از طرف نقشه برداران اسکندر ضبط گردیده و پلینی PLINY (متوفا ۱۱۳ م) آنرا اورتوسبا نوم ORTHOSPANUM نوشته (۲۳) به تعبیر هیون - تسنگ زایر چینی FO-LI-SHE-SA-TANG-NA بوده که پایتخت آن HU-PHI-NA (هوفیان) بود (۲۴).

ویلسون مرفل آریانای قدیم در نام اورتوسپانه تغییری را بصورت ارتوس تانه ORTOSTANA پیشنهاد میکند، که با کلمه سنسکریت اردهه ستانه URDDHSTANA بمعنی شهر مرتفع (بالاحصار) نزدیکی میرساند. ولی سنت مارتن این حدس را بعید از قیاس میداند و ویلسون میگوید: شاید اصل کلمه پورتوستانه باشد، که در پښتو پورته بمعنی بلند است.

ولی تغییر اورتوس پانه مؤرخان اسکندر به اردهه ستانه و باز پورته ستانه بعید از قیاس لغوی بنظر می آید ویلسون که آشنا به ریشه ها و قوانین تبدیل اصوات و تحول کلمات پښتو نبود، به تکلیف غیر قیاسی کلمه را به اردهه ستانه سنسکریت برده و سنت مارتن را به حیرت انداخته است. حدس من اینست: که اورتوس پانه بمعنی بالاحصار نام مرکب از دو کلمه پښتو است و به تصریح کنگهم این نام توصیفی محصور به سرزمین پاروپا میسادی نبود، بلکه در کرمانیه و پارس هم مورد استعمال بود که معنی آن "موضع بلند = همین بالاحصار" باشد و برای هر قلعه کوهستانی بلند بکار برده می شد (۲۵).

جزو اول نام اورتوس پانه غالباً اورته بوده، که به مرور زمان اورته به (وورته) و بعد از آن به پورته تبدیل شده که معادل همان اردهه سنسکریت باشد و ما همین گونه تحول را در کلمات هپتل = هوتل. اودل = ابدال و تبدیل هوتل به هپتل = هیطل (جمع آن هیاطله معرب) هم می بینیم. اما

جزو دوم پانه غالباً همین پان پینتو است که به معنی سنگلاخ بلند یا لغزشگاه بلند سنگی باشد پس پورته پانه (بالاحصار) است و تبدیل (ه) در آخر کلمه پورته به (س) از قبیل تبدیل (ه - س) است، در کلمات دس هندی = لس = ده و گناه = وناس (پهلوی- و گاس پهلوی = گاه (زمان) و راس پهلوی = راه و یا دافراه = پاتفراس پهلوی.

چنانچه گفته شد اگر کاو - فو نام یکی او قبایل پنجگانه یوی - چی در اواخر قرن دوم قبل المیلاد نام خود را بدین سرزمین داده باشد همین نام در تاریخنامه هونها قدیم چی یین - هان - شو در حدود سال ۸۰ م از طرف پان - کو نوشته شده که پایتخت آن هم کاو - فو بود و ماراکوارت آنرا با کابل کنونی تطبیق داد (۲۶). و ازین بر می آید که این نام به اواخر قرون قبل المیلاد تعلق دارد و جغرافیا نویسان یا مؤرخان یونانی تنها روایات و نامهای مستعمل سابقین خود را ضبط کرد و شاید بعد از سقوط سلطنت یونانی باختر به وسیله یوی - چی (کوشانیان بزرگ) رابطه و معلوماتی ازین سرزمین نداشته اند. به هر حال : در قرن هفتم میلادی هنگامیکه زایران چینی ازین سرزمین بازدید میکنند، کابل را به تلفظ چینی خود کاو - فو ضبط کرده اند و باز چون در نصف دوم قرن هفتم فاتحان عربی باینجا میرسند، صریحاً کابل است که در کتب پهلوی کاول، کاولستان، یا کاپول ضبط گردیده و کابلشاه را شتریار یا تاب کاپول گفته اند (۲۷). که این نام درین هنگام وسعت یافته و شهر بزرگ آن اوهند (برکنار دریای نزدیک اتک) شمرده می شد و مقدار خراج آن در حدود دو نیم ملیون درهم و دو هزار غلام به قیمت ششصد هزار درهم بود و عرب گاهی نام کابل را به اهل آن هم میداده اند مانند این بیت اعشی :

ولقد شربت و الخمر

ترکض حولنا ترک و کابل

کدم الذبیح غـریبه

مما یعتق اهل بابل (۲۸)

کابل در عصر کابلشاهان که بساط اقتدار ایشان به دست سبکتگین و سلطان محمود برچیده شد اهمیتی بسزا داشت و حتی بقول جوزحانی : "کابل را حصاریست محکم و معروف باستواری و اندروی مسلمانانند و هندوان اند. و اندروی بتخانه هاست و رای قنوج را ملک تمام نگرده، تا زیارت این بتخانه نکند و لوای ملکش اینجا بندند (۲۹)".

و همین مطلب را استخری (متوفا ۳۴۶ هـ) چنین شرح دهد :

"و گویند که شاه پادشاهی را نشاید، تا آنکه که او را در کابل بیعت نبندند، اگر چه از کابل دور بود تا وقتی که شاه به کابل نیاید مستحق شاهی نباشد، و او را درینجا به شاهی نشانند(۳۰)".

چون نام یکی از کوه های کابل با قدامت فرهنگی این سرزمین پیوستگی دارد و از موضوع مبحث ما دور نیست آنرا هم شرح میدهم :

آسمائی (اشامایی) = اشامایو :

ادامه دارد....